

تعلیم و تربیت در سیره ائمه اطهار  
(علیهم السلام)



## تعلیم و تربیت در سیره ائمه اطهار (علیهم السلام)

در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، به عنوان رهبران دینی و سیاسی جامعه مسلمانان، چند اصل زیربنایی وجود دارد که به اندیشه و تفکرات آنان قوام بخشیده و عامل توسعه علمی فرهنگی حکومت و جامعه اسلامی است. یکی از این اصول، که در این پژوهش به آن پرداخته شده، اصل «تعلیم و تربیت» است. تشویق به یادگیری علم و دانش در تمام زمینه های عقلی، نقلی و تجربی، و نیز تربیت دینی از جمله مهم ترین تعالیم اسلام است و توجه هر مرد و زن مسلمانی به علم و ادب از ضروریات حرکت و رشد و تکامل به شمار می آید. این نوشتار کوشیده است تا با تحقیق در منابع کهن اسلامی و بخصوص شیعی روشن کند که ائمه اطهار علیهم السلام در این تلاش ارزشمند، از چه شیوه ها، ابزارها، و مواد آموزشی بهره برده اند و هدف اصلی و فرعی آنان در توجه به این اصل چه بوده است. روش پژوهشی در این مقاله، اسنادی، توصیفی و کتابخانه ای است.

منبع : ماهنامه معرفت / سال هفدهم / شماره پیاپی ۱۳۰ / محمدجواد یآوری

## مقدمه

بخشی از تاریخ صدر اسلام سیره علمی و تربیتی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام است. توجه به سیره آنها برای هدایت اعتقادی، تربیتی و علمی مردم و رساندن آن به آیندگان امری ضروری است. اولین چیزی که به سیره پیامبر ارزش و اهمیت داده قرآن کریم است. قرآن به صراحت، به مسلمانان دستور می دهد سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله را اسوه نیکو و سرمشق خویش قرار دهند. 2

بر این اساس، می توان گفت: یک اصل اساسی در سیره و رفتار دینی، سیاسی و اجتماعی پیامبران و امامان شیعه علیهم السلام، توجه آنها به تعلیم و تربیت مردم است؛ اصلی که از جمله وظایف و شئون اولیه یک حاکم اسلامی است. بنابراین، هدف از پرداختن به این موضوع، روشن ساختن ساختار سیره آن بزرگواران در زمینه آموزش و پرورش است تا بتوان از این سیره، الگوی مناسبی برای بالا بردن سطح تربیت دینی و دانش جامعه کنونی گرفت. تلاش این نوشتار بر آن است که به مسئله ساختار و نظام تعلیم و تربیت در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، اهمیت، شیوه ها، ابزار و مواد آموزشی و تربیتی این اصل و نقش آنان در روند رو به رشد فرهنگ و تمدن اسلامی با توجه به منابع نقلی و با شیوه تحلیلی توصیفی بپردازد.

## بازشناسی مفاهیم مورد بحث

1- **سیره**: واژه سیره بر وزن «فعله» از کلمه «سیر» مشتق شده است. «سیره» یعنی: حالت، نوع خاص حرکت و رفتار انسان، 3 سنت، روش، مذهب. «سیره الرجل» یعنی: روش و کردار مرد، چگونگی رفتار او با مردم. در اصطلاح، به آنچه درباره رفتار پیامبر خدا صلی الله علیه و آله بیان شده «سیره» گویند. 4 راغب اصفهانی نیز در ذیل این واژه می نویسد: سیره حالت و روشی است که انسان و غیر انسان نهاد و وجودشان بر آن قرار دارد. 5 سیره در عرف مسلمانان، در معنایی معادل معنای «سنت» نیز به کار رفته و در مجموع، عبارت است از:

مجموعه رفتارها و گفتارهای پیامبر و اهل بیت علیهم السلام.

**2- حکومت اسلامی:** حکومتی است که در آن، اداره امور کشور و رسیدگی به مسائل جامعه، مطابق دستورات و قوانین اسلام است. در حکومت اسلامی، حاکمیت بر انسان و جامعه انسانی تنها مخصوص خداوند است و تدبیر و هدایت جامعه در راه مستقیمی که به آخرت ختم می شود و الی الله است. این سیاست مختص انبیا و امامان شیعه علیهم السلام و به تبع آنها، علمای بیدار اسلام است. 6

**3- تعلیم:** «تعلیم» از ریشه «علم» و مصدر باب تفعیل است. اهل لغت «علم» را چنین تعریف کرده اند: «العلم»، ادراک حقیقت چیزی، 7 دانستن، دانش، اظهار و روشن کردن، 8 و نقیض جهل. 9 «تعلیم» در لغت، به معنای یاد دادن، و در اصطلاح، به معنای ایصال و انتقال معلومات به اذهان شاگردان است. راغب اصفهانی «تعلیم» را چنین تعریف می کند: «تعلیم» ناشی از تکرار است، به گونه ای که از آن اثری در ذهن متعلم به وجود آید. 10 با توجه به این تعاریف، به طور کلی می توان گفت: تعلیم به معنای انتقال دانایی به دیگری و فراهم آوردن زمینه رشد و شکوفایی انسان است که به شیوه های گوناگون تحقق می یابد، خواه از طریق وحی باشد و یا غیر آن.

**4- تربیت:** «تربیت» مصدر باب تفعیل از ماده «ربو» و یا «ربی» است. «تربیه» به معنای تربیت و تهذیب و پرورش فکری و اخلاقی است. «علم التربیه» به معنای آموزش و پرورش است. 11 اما ابن منظور در لسان العرب ریشه «تربیه» را از واژه «ربو» به معنای زیادت می داند. «ربا الشیء: اى زاد و نما»؛ یعنی افزایش یافت و رشد کرد. 12 راغب اصفهانی نیز می نویسد: تربیت یعنی ایجاد شیء به تدریج از حالتی به حالت دیگر تا به حدّ تمام برسد. 13 با توجه به این معنا و مفهوم، در بحث تربیت انسان، مفهوم «تربیت» بر پرورش استعدادهاى درونی انسان و فراهم ساختن زمینه رشد استعدادهاى آدمی دلالت می کند. به عبارت دیگر، در تربیت، عنایت و اهتمام به پیشبرد تمایلات فطری و استعدادهاى متنوّع متربّی لحاظ شده و تربیت نیز در صورتی ثمربخش است که با عمل و کوشش متربّی همراه باشد. اکنون از مجموع توضیحات درباره واژه های تعلیم و تربیت می توان گفت: این دو واژه به معنای آموزش و پرورش توانایی های انسان هاست؛ یعنی زمینه ای فراهم شود که استعدادهاى انسان به تدریج شکوفا شوند. 14 بر این اساس، تعلیم بخشی از تربیت محسوب می شود. به عبارت دیگر، تعلیم شرط لازم تربیت است. نیز با توجه به توضیح واژه، درباره حاکم اسلامی می توان گفت: امر تعلیم و تربیت از جمله وظایف حاکمان اسلامی است.

**تعلیم و تربیت در سیره پیامبر خدا صلی الله علیه و آله**

از منظر قرآن، 15 روشن است که مهم ترین اهداف ارسال انبیای الهی هدایت انسان ها به سوی سعادت و قرب الی الله با ارائه طریق و رفع موانع آن است؛ چنان که قرآن کریم درباره هدف رسالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید: «او کسی است که رسولش را همراه با هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند. 16»

آیه به صراحت اعلام می کند که بعثت و ارسال حضرت محمد صلی الله علیه و آله بدین دلیل است که دین او، یعنی اسلام، دین جهانی باشد، و به عبارت دیگر، همه ادیان و آیین های قبلی را به دین اسلام دعوت کند. او برای دعوت مردم و نیز تعلیم و تربیت آنها در مسیر تعالیم الهی، با دو شیوه کلی (تبشیر و انذار) کار خود را آغاز می کند؛ زیرا وی به عنوان حاکم اسلامی، وظیفه دارد تا به نومسلمانان آداب اسلامی را یاد دهد و در این راه از هیچ تلاشی فروگذاری نکند. اهمیت توجه پیامبر به امر تعلیم و تربیت مردم به دلیل نجات جامعه اسلامی،

تربیت انسان و روشن نمودن دید آنها به دنیا و جهان آخرت است. این هدف عظیم در تعلیم و تربیت دینی مردم با پرورش افراد برجسته ای همانند یاسر و سمیه نمود پیدا کرد که برای دفاع از حقانیت آنچه پیامبر آورده بود، جان خود را تقدیم اسلام کردند.

بنابر گزارش های تاریخی، پیامبر برای هدایت و تربیت مسلمانان، علاوه بر اقدام شخصی در مقاطع و مکان های گوناگون، با ارسال برخی از مسلمانان به دیگر مناطق، به این مهم، جامه عمل می پوشاندند. طبری در گزارشی، این تلاش پیامبر را چنین نقل می کند: «عبدالله بن ابی بکر گوید: وقتی فرستادگان "بنی الحارث بن کعب" رفتند، پیامبر، عمرو بن حزم انصاری را سوی آنها فرستاد که فقه، دین و سنت پیامبر و آداب مسلمانی را به آنها تعلیم دهد و زکات بگیرد.»<sup>17</sup> در گزارش دیگری درباره تلاش پیامبر برای آموزش و تربیت دینی مردم مدینه و دعوت آنها به اسلام آمده است: «پیامبر مصعب بن عمیر را به مدینه فرستاد تا قرآن را به آنها تعلیم دهد و دستورات اسلام را به ایشان بیاموزد.»<sup>18</sup> پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله با حضور جدی خود در میان مردم و اشتغال به آموزش و پرورش آنها، با شیوه ها و ابزار گوناگون سعی در نهادینه کردن این رفتار در میان جامعه داشتند. اگر ایشان می توانستند جامعه جاهلی جزیره العرب را به امر دانش و ادب اسلامی متخلّق سازند و فرهنگ عمومی را کیفیت بخشند، به خوبی می توانستند دیگر موانع سدّ راه اسلام را از بین ببرند. ایشان به همین دلیل، در هر شرایطی به چنین کار عظیمی دست می یازیدند؛ چنان که در جنگ «بدر»، هنگامی که تعدادی از نیروهای سپاه مکه به اسارت مسلمانان درآمدند، دستور دادند تا هر اسیر که به ده تن از کودکان مسلمان نوشتن بیاموزد، پس از مهارت یافتن آن کودکان، آزاد شود. 19 بنابراین، پیامبر به عنوان حاکم و مدیر هدایت مسلمانان به سوی سعادت ابدی، باید در راه تربیت و آموزش مردم، هزینه های مادی و معنوی لازم را بپردازد و از هیچ تلاشی فروگذار نکند.

### جایگاه تعلیم و تربیت در سیره ائمه اطهار علیهم السلام

فلسفه تشکیل حکومت در اسلام، چیزی جز اجرای احکام و تحقق معارف اسلامی در همه عرصه های زندگی بشر نیست. انبیا و پیشوایان دین از جمله امامان معصوم شیعه علیهم السلام نیز برای تشکیل حکومت بر مبنای قرآن و سنت پیامبر، به تلاش می پرداخته اند و از حق خویش دفاع می کرده اند؛ زیرا در نظام اسلام، صلاحیت حکومت بر مردم، خاص افرادی است که شرایط کافی در حوزه های مدیریت فقهی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم دارند. اگرچه در میان امامان شیعه تنها حضرت علی و امام حسن علیهما السلام فرصت کوتاهی پیدا کردند تا مدیریت سیاسی مسلمانان را در حوزه حکومتی به عهده بگیرند، اما هیچ گاه دیگران نیز در رهبری و مدیریت سیاسی، فقهی، اجتماعی و تربیتی شیعه به شیوه ها و ابزارهای گوناگون کوتاهی نکرده اند و در مقاطع گوناگون تاریخ، آنان را به صورت مقطعی و یا تدریجی به قوانین فقهی، اعتقادی و اخلاقی آشنا کرده اند.

«امامت»، 20 که یکی از ارکان اساسی و ضروری عقاید شیعه به شمار می رود، به معنای زعامت امت در امور معاش و معاد است. این بنیاد سیاسی و دینی همواره مورد تأکید شیعیان بوده و آنان با ائکا بر آن به مبارزه با سلطه های جور پرداخته و حکومت آنها را نامشروع دانسته اند. امام از نظر شیعه، علاوه بر پیشوای دینی، رهبر سیاسی نیز هست و شیعیان همواره به او توجه می کنند و اوامر او را می پذیرند؛ زیرا آموزه «اطاعت از امامان شیعه»، در کلام و مبانی عقیدتی آنان ریشه وحیانی دارد؛ چنان که خداوند در سوره نساء، آیه 59 پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، مسلمانان را به پیروی از جانشینان وی امر فرموده است: «ای کسانی که ایمان آورده اید، از خدا اطاعت کنید و از پیامبر خدا و اولوالامر اطاعت کنید.»

علامه طباطبائی در توضیح واژه «اولوالامر» می نویسد: کار آنان صادر نمودن آرائی است که به نظرشان صحیح است و اطاعت از آنان در آراء و اقوالشان بر مردم واجب است؛ همان گونه که اطاعت از رسول خدا در آراء و اقوالش بر مردم واجب است. 21 شیخ مفید همگام با سایر فقها و متکلمان شیعه، امامت و حکومت امام علیه السلام را نوعی ریاست و رهبری عمومی برای شیعه در امور دین و دنیا می داند و از دیدگاه وی، امامان شیعه زعامت سیاسی و اجتماعی مردم را دارند و اطاعت از آنان بر مردم لازم است تا حکومت آنها در جامعه محقق گردد. وی می نویسد: من می گویم ائمه اطهار علیهم السلام قائم مقام انبیا در تنفیذ احکام و اقامه حدود و حفظ شریعت و مربی تربیت مردم هستند. آنها معصومند همانند عصمت انبیا. 22 اما اجرای حدود الهی بر عهده سلطان اسلام است که از جانب خدای متعال نصب شده و آنان عبارتند از: امامان هدایتگر از آل محمد علیهم السلام. 23

بنابراین، با توجه به آنچه مطرح شد، می توان گفت: از منظر آیات و روایات و استدلال عقلی، امامان شیعه به عنوان جانشینان پیامبر دارای وظایفی در اداره امور جامعه مسلمانان هستند. یکی از این وظایف مهم و کلیدی آموزش و تربیت دینی و علمی مردم است. امام علیه السلام نه تنها رئیس اداری، قضایی و نظامی امت است، بلکه معلم و مربی مردم در امور تربیتی نیز هست؛ چنان که امام علی علیه السلام نیز در خصوص شرح وظایف حاکم اسلامی و جایگاه تعلیم و تربیت دینی در سیره ائمه اطهار علیهم السلام، آموزش و پرورش علمی و دینی مردم را اصلی ترین حقوق مردم بر امام و حاکم اسلامی می داند و در این باره می فرماید: خدایا، تو می دانی که آن کارها که از ما سر زد، نه برای همچشمی بود و نه رقابت در قدرت و نه خواستیم از این دنیا چیزی افزون به چنگ آوریم، بلکه می خواستیم نشانه های دین تو را، که دگرگون شده بود، بازگردانیم و بلاد (زمین) تو را اصلاح کنیم تا بندگان ستمدیده ات در امان مانند آن حدودی که مقرر داشته ای جاری گردد. 24

مردم، مرا بر شما حقی است و شما را بر من حقی است. حقی که شما به گردن من دارید، اندرز دادن و نیکوخواهی شماست و غنایم را به تمامی، میان شما تقسیم کردن و تعلیم دادن شماست تا جاهل ننمایند، و تأدیب شماست تا بیاموزید. . . . 25 ما پرورش یافته خداییم و مردم پرورش یافته ما هستند. 26 امام و حاکم اسلامی موظف است معارف اسلامی و ایمانی را به افراد تحت حکومتش آموزش دهد. 27 والی نباید در بیان احکام و حدود الهی توقف نماید، و نه کسی باشد که سنت را فرو می گذارد تا امت را به هلاکت اندازد. 28 هر آینه، آنچه بر عهده امام است، این است که آنچه را خداوند به او فرمان داده به جا آورد؛ چون رساندن مواعظ و سعی در نیکوخواهی و احیای سنت پیامبر و اقامه حدود خدا بر کسانی که سزاوار آن هستند. پس به تحصیل علم بشتابید. 29

امامان شیعه به مشکلات فردی و اجتماعی مردم آگاه بودند و با توجه به شرایط زمان و مکان بر اساس ضرورت و اهمیت موضوعات، به رهبری و مدیریت مسلمانان و به ویژه شیعیان می پرداختند. در آن شرایط زمانی، اهمیت تعلیم و تربیت مسلمانان اگر نگوئیم ضرورت بیشتری داشت، دست کم می توان گفت به حدی بود که زیربنای جامعه اسلامی بر آن استوار بود. بر این اساس، امام علی علیه السلام دانش آموختن و ذخیره دانش را از ثروت اندوزی ضروری تر می داند. 30 حضرت زهرا علیها السلام نیز شیعیان را به پرستش و یادگیری علم، تشویق می نمودند و اجر علما را در پاسخ به سؤالات، بسیار می شمردند. 31 همچنین امام حسن مجتبی علیه السلام به نونهالان سفارش می کردند که از سنّ کودکی شروع به کسب دانش کنند و در نوشتن اندوخته ها کوتاهی ننمایند؛ می فرمودند: شما هم اکنون خردسالان جامعه اید و به

زودی از بزرگان دیگر جوامع خواهید شد، پس علم بیاموزید و هر کس از شما توانایی ندارد که آن را به خاطر بسپارد آن را بنویسد و از آن محافظت کند. 32 این گونه سفارش ها انگیزه هایی قوی برای یادگیری علم و ادب اسلامی در اهل آن ایجاد می کرد و به مرور زمان، بر جامعه اسلامی، شوق به فراگیری علم و دانش چراغ تمدن و فرهنگ ناب اسلام راه رشد و تعالی را نشان داد.

**اهداف نظام تعلیم و تربیت در سیره ائمه اطهار علیهم السلام**  
ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان مجریان احکام الهی، در بعد آموزش، اهداف علمی را دنبال می کردند تا بدین طریق، علاوه بر پیشبرد وضعیت علمی، سطح فکری و درک اجتماعی مردم را کیفیت بخشند. در بعد پرورشی نیز در پی رشد اخلاق، اعتقاد و پرورش استعداد های فطری آنان بودند.

الف. اهداف تربیتی

مهم ترین اصول و مبانی نظام تعلیم و تربیت اسلامی در سیره ائمه اطهار علیهم السلام بر محور شناخت خدا، انسان و هستی، و به عبارت دیگر، ایمان به اصول و فروع دین اسلام و اخلاق استوار است. ایشان با توجه به شرایط حاکم بر جامعه، سعی در توجه مسلمانان به این اصول زیربنایی داشتند تا از این طریق، به اهداف نظام اسلامی دست یابند؛ زیرا زمانی تلاش آنان در تعلیم و تربیت مسلمانان سودبخش است که متربی به اصول موضوعه اسلام ایمان و اعتقاد داشته باشد. به همین دلیل، یکی از مواد آموزشی آنان در جهت تربیت مردم، آموزش معارف دینی بود. در رأس این تلاش ها، توجه دادن مردم به شناخت مبدأ آفرینش، پرستش و به عنوان خدای یگانه اهمیت بیشتری داشت.

### 1- توجه به اصول اعتقادی دین و مذهب

اولین هدف تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام در تعلیم و تربیت شیعیان، توجه دادن آنها به اصول دین و مذهب است و در رأس این تلاش، توجه دادن مردم به مباحث توحید در بعد افعال و صفات خداوند، شناخت و ایمان به او و در نهایت، پرستش او به عنوان تنها پروردگار جهان؛ خداوندی که یگانه است و همه امور به دست قدرت اوست. به فرمایش امام علی علیه السلام سنگ بنای اسلام معرفت به خداست. 33 هدف دیگر آنان توجه دادن مردم به حقانیت معاد، نبوت و وحی، و امامت است. امامان شیعه علیهم السلام نیز به عنوان جانشینان بر حق پیامبر، مفسران وحی و کلام الهی هستند. آنان به دنبال پی ریزی نظامی تربیتی بودند که از طریق پیامبر و قرآن به پروردگار عالم منتهی می شود.

### 2- توجه به احکام و قوانین شرعی

ائمه اطهار علیهم السلام در بعد تربیتی، در پی آگاه کردن مردم به قوانین شرعی و توجه دادن آنان در عمل به این فرامین بودند. آنان در زمان ها و مکان های مناسب، شیعیان را به پیروی و یادگیری احکام اسلام فرا می خواندند.

### 3- رشد اخلاق

یکی دیگر از اهداف تربیتی امامان دین علیهم السلام در تعلیم و تربیت، توجه دادن مسلمانان به اخلاق، آداب اجتماعی، تقوای الهی و رشد تربیت دینی است. «تربیت دینی» عبارت است از: مجموعه ای از اعمال عمدی و هدفدار به منظور آموزش گزاره های معتبر دین به افراد، به نحوی که آنان در عمل و نظر، به آن آموزه ها متعهد گردند. از این رو، در توجه به این حقیقت، تمامی اعمال و رفتار انسانی معنا پیدا می کند. لازم به ذکر است که در زمینه رشد و تعالی اخلاق و تربیت دینی مردم، اولین گام خودسازی مرتبی است؛ چنان که امام علی علیه السلام

می فرمایند: هر کس خود را پیشوای مردم می خواهد، باید پیش از ادب کردن دیگران به ادب کردن خود پردازد و باید که ادب کردن دیگران به کردار باشد و نه به گفتار. 34

تلاش بزرگان دین علیهم السلام در تربیت دینی و رشد اخلاقی شیعیان، به گونه ای است که آغازین مرحله آن توجه دادن فرزندان خویش به مسائل تربیتی و آموزش آنان است و در رأس مباحث اخلاقی، اخلاق سپاسگزاری از پروردگار؛ چنان که امام باقر علیه السلام پیش از طلوع آفتاب، فرزندان را جمع می کرد و به آنها دستور می داد قرآن تلاوت کنند و یا ذکر بگویند. 35 یا امام صادق علیه السلام به یکی از یاران خود فرمودند: ما بچه هایمان را از پنج سالگی به نماز امر می کنیم. 36 نیز آنان تمام تلاش خود را در نهادینه کردن این نوع تربیت در رفتار شیعیان به کار می بستند تا معیار بازشناسی آنان از دیگران باشد. همچنین از این طریق، به اصلاح جامعه می پردازند؛ زیرا اگر جامعه اصلاح نشود فساد برخی نابودی دیگر اقشار جامعه را در پی خواهد داشت. معصومان: برای رشد اخلاقی و تربیتی جامعه اسلامی، مسلمانان را به کیفیت بخشی اعمال، که همان «تقوا» باشد، توجه می دادند. «تقوا» به معنای حفظ و نگه داری است و در تعلیم و تربیت، این واژه به معنای حفظ و اداره و قرار دادن اعمال و رفتار خود در مسیر عقلانی و وحیانی است. درباره اهمیت وجود تقوا، در زندگی انسان ها، امام علی علیه السلام می فرمایند: ای بندگان خدا، شما را به ترس از خدا سفارش می کنم که تقوا حق خداست بر شما، و حق شما بر خدا سبب شود از خدایی یاری جوید که به تقوایتان یاری دهد. . . راه تقوا راهی روشن است و پناهگاه فردا؛ راهی است که شما را به بهشت می رساند. 37

ب. اهداف آموزشی

### 1- پرورش استعدادها

با توجه به معنا و مفهوم «تربیت»، این واژه بر پرورش استعدادهای درونی انسان و فراهم ساختن زمینه رشد استعدادهای آدمی دلالت می کند. به عبارت دیگر، در تربیت و تعلیم دینی، اهتمام ائمه اطهار علیهم السلام به پیشبرد تمایلات فطری و استعدادهای متنوع مترپّی با روش ها و ابزارهای آموزشی است. آنان در این راه، با کشف این استعدادها، به پرورش شاگردان برجسته ای در زمینه های گوناگون پرداخته اند و آنان را به تفقه و تفکر در دین و علوم فراخوانده اند. 38 اگرچه در هنگام برگزاری جلسات علمی از سوی ائمه معصوم علیهم السلام افراد زیادی حضور می یافتند و روایات آنها را نقل می کردند، اما شیعیانی که توانایی بالقوه ای داشتند با مدیریت علمی و تربیتی ائمه اطهار علیهم السلام توانایی هایشان فعلیت یافته و مایه افتخار جامعه اسلامی گردیده اند. بنابراین، در بعد آموزشی، هدف معصومان علیهم السلام توجه به امورزیربنایی و اموری است که در آنها باید به تربیت کودکان اهتمام ورزید تا در سنین بالاتر، جامعه علمی و تربیتی و مدینه فاضله تشکیل شود.

### 2- آموزش علوم و خلق آثار علمی

در بعد آموزشی، ائمه اطهار علیهم السلام علاوه بر آموزش مبانی نظری دین به مسلمانان، در تلاش بودند تا آنان را به فراگیری علم و دانش در زمینه های گوناگون و موردنیاز جامعه از جمله قرآن، فقه و مباحث اعتقادی تشویق کنند و بدین وسیله، با خلق آثار علمی، کمیت و کیفیت دانش اسلام را به عنوان آیینی فرهنگ و تمدن ساز معرفی کنند. آنان در این راه، دانش پژوهانی تربیت نمودند که آثار علمی با ارزشی در عرصه های گوناگون به وجود آوردند؛ چنان که حتی گاهی ائمه اطهار علیهم السلام با اصلاح و بررسی نوشته های شیعیان، آنها را آماده نشر می ساختند. عبدالله حلبی کتاب خود را به امام صادق علیه السلام عرضه داشت و امام علیه السلام آن را تصحیح کردند. 39

ثبت آثار علمی زیادی از سوی ائمه هدی علیهم السلام نشانگر پیش گامی آنان در این هدف بزرگ است. برخی از این آثار یا به وسیله خودشان با عنوان «صحیفه» 40 و یا «مصحف» جمع آوری گردید و یا به صورت املا بود و شاگردان به ثبت و ضبط آن پرداخته اند. 41 در روایتی از امام باقر علیه السلام برای پاسخ به مسئله ای که از ایشان پرسیدند، ایشان به کتاب امام علی علیه السلام مراجعه کردند و از روی آن پاسخ گفتند. 42 دانش و آگاهی امامان معصوم علیهم السلام و تسلط آنان بر علوم اسلامی، آنان را در جایگاهی قرار داده است که همواره مورد مراجعه و توجه دانشمندان فرق گوناگون بوده اند. آنها توانسته اند با تشکیل کرسی درس و یا مناظره گاهی رسمی و گاهی غیررسمی و مخفیانه به شکل گیری نظام آموزشی اسلام کمک کنند؛ چنان که در دوران امام سجاد علیه السلام فقهای هفت گانه اهل سنت در مدینه مشغول فعالیت علمی بودند، اما در این دوران، فقه و تفسیر معارف شیعی امام سجاد علیه السلام برتر از فقه آنان بود. ابن ابی الحدید اعتراف شافعی درباره اعلیت امام سجاد علیه السلام را چنین نقل می کند: من علی بن الحسین علیه السلام را داناترین شخص به فقه در میان اهل مدینه یافتم. 43

### شیوه های تعلیم و تربیت در سیره ائمه اطهار علیهم السلام

طبق اشاره آیات قرآن کریم، انبیا به دو روش کلی «انذار» و «تبشیر» به تربیت مردم می پرداختند. 44 ائمه اطهار علیهم السلام نیز به عنوان جانشینان برحق آنها، به همین روش با ابزارهای خاصی مسلمانان را به دریافت حقایق توجه می داده اند. در این روش، که نخستین گام برای آشنایی مسلمانان به آیین اسلام بوده، ارتباط به صورت مستقیم، خطابه و نامه شکل می گرفته و این نوع رفتارها و شیوه های آموزشی خط مشی کلی بوده اند تا از طریق آنها، آرمان ها و اهداف اسلام به تجلی در رفتار و گفتار برسند. در ذیل، به این روش ها اشاره می شود:

#### 1- ارتباط چهره به چهره با مردم

بهترین راه ارتباطی حاکمان و مدیران با مردم در هر نوع نظامی، دیدار حضوری و «چهره به چهره» است. در دین اسلام، ارتباط مردم و حاکم با یکدیگر ارتباطی مستقیم است و نه ارتباطی پلکانی و طبقاتی. در این نوع ارتباط، مردم می توانند به راحتی با رئیس حکومت ارتباط برقرار کنند و مشکلات و مسائل خود و جامعه را در تمام عرصه ها با آنها در میان بگذارند. این رفتار و شیوه آموزشی و تربیتی به عنوان الگو برای یک مربی لازم و ضروری است و کیفیت آموزش را بالا می برد؛ زیرا تأثیر آموزش مستقیم قوی تر از ارتباط غیرمستقیم است. امام علی علیه السلام نیز در همین زمینه، در سخنی به حاکم مشروع اسلامی برای حل مسائل دینی و سیاسی می فرمایند: ای مردم، از من بپرسید، پیش از آنکه مرا نیابید. 45

امام علی علیه السلام در شیوه «چهره به چهره» با استفاده از ابزارهای گوناگون در جهت کیفیت بخشی به علم و ادب اسلامی و اصلاح عقاید فکری و تربیتی مسلمانان تلاش می نمودند. در هنگام جنگ «جمل»، اعرابی از امام علی علیه السلام پرسید: ای امیرمؤمنان، آیا شما به توحید و یگانگی خداوند اعتقاد دارید؟ عده ای از سپاهیان امام علیه السلام، که در آن اطراف بودند، با شنیدن این سؤال خشمگین شدند و به وی گفتند: آیا نمی بینی که امام در چه وضعیتی است؟ چگونه او می تواند به این مسائل پردازد، در حالی که مشغول نبرد با دشمنان است؟ امام علی علیه السلام فرمودند: رهایش کنید؛ زیرا چیزی که این اعرابی به دنبال آن است همان چیزی است که ما از این قوم (اصحاب جمل) می خواهیم؛ یعنی جنگ ما در حقیقت، بر سر مسئله توحید است. سپس امام علیه السلام با تفصیلی اعجاب برانگیز، به



پاسخ اعرابی پرداختند. 46

همچنین امام علی علیه السلام در نامه ای خطاب به مالک اشتر نخعی، علاوه بر تذکر این نکته که باید حاکم و والی اسلام در کنار مردم باشد تا به راحتی بتوانند به وی دست رسی داشته باشند، اصول مدیریت سیاسی را نیز به وی آموزش می دهند و می آموزند که مدیر موفق کسی است که به صورت مستقیم با مردم در ارتباط باشد؛ رو پوشیدن از مردم به درازا نکشد؛ زیرا روی پوشیدن والیان از رعیت خود، گونه ای نامهربانی به آنهاست و سبب می شود از امور ملک آگاهی اندکی داشته باشند. اگر والی از مردم رخ بپوشد، چگونه می تواند از شوربختی ها و رنج های آنان آگاه شود؟ 47

### 2- تربیت شاگردان برجسته

با توجه به جوّ اختناق در مرکز خلافت اسلامی و ستم بنی امیه و بنی عباس و ممانعت آنها از نقل حدیث و اجرای حقیقی اصول و مبانی اساسی اسلام، ائمه اطهار علیهم السلام در ابعاد سیاسی، علمی و اجتماعی مجال کافی در تحقق اهداف خویش نداشتند. بنابراین، آنان اگرچه با مردم در ارتباط بودند، اما در آن شرایط سخت، که دستگاه حاکم مانع اهدافشان بود، بر آن شدند تا به تربیت شاگردان برجسته ای همچون سلمان، عمّار، ابوذر، زراره، ابوصیر، هشام و برخی دیگر بپردازند و از طریق، آنان به آموزش و تربیت مردم همّت گمارند.

در زمان امام صادق علیه السلام، شاگردان بسیاری برای استفاده از محضر آن حضرت از مناطق گوناگون، رهسپار مدینه می گردیدند و پس از فراگیری علم، یا در آنجا ماندگار می شدند و یا به مناطق خود بازمی گشتند؛ چنان که محمدبن مسلم کوفی مدت چهار سال در مدینه از محضر امام باقر و امام صادق علیهما السلام بهره برد 48 و سپس به موطن خود بازگشت.

روش ائمه اطهار علیهم السلام، به ویژه امام صادق علیه السلام، به گونه ای بود که شاگردان خود را به سمت اجتهاد سوق می دادند تا در مناطق گوناگون جهان اسلام و در هنگام عدم دست رسی مردم به پیشوایان دین علیهم السلام، به تعلیم و تربیت آنان بپردازند. بدین روی، جمیل بن درّاج و زراره حلقه درس داشتند 49 و یا در جواب برخی از شیعیان، که از امام سؤال پرسیدند هنگامی که سؤالی برای ما پیش بیاید به چه کسی مراجعه کنیم، امام فرمودند: چرا به محمدبن مسلم ثقفی مراجعه نمی کنید که او نزد پدرم، وحیه و محترم بود و از او حدیث شنیده است. 50 امام علی علیه السلام نیز با توجه به شایستگی های مالک اشتر در زمینه های ولایت مداری، هوشمندی، کارامدی و مدیریت سیاسی وی، هنگامی که او را به حاکمیت مصر گماردند، درباره وی به مردم آن دیار نوشتند: من بنده ای از بندگان خدا را به سوی شما روانه کردم که در روزهای هراس نمی خوابد و در ساعت های ترس، از دشمن روی برنمی تابد. . . . او مالک اشتر نخعی است. به او گوش سپارید و تا آن گاه که حق می گوید، از او فرمان برید که او شمشیری از شمشیرهای خداست. . . . اگر به شما فرمان داد که حرکت کنید،

حرکت کنید. 51

### 3- املائی مطالب علمی

یکی از روش های آموزش و پرورش در ساختار آموزشی ائمه اطهار علیهم السلام، چه به طور چهره به چهره و یا از طریق شاگردان، با توجه به شرایط و موقعیت زمانی صدر اسلام، استفاده از روش «املا» برای ثبت و ضبط علم و ادب اسلامی بوده است. ائمه اطهار علیهم السلام از این روش برای آموزش شاگردان خود استفاده می کردند. در این شیوه، راوی و پرسشگر از امام سؤالی می پرسید و امام به وی می فرمودند: بنویس، و سپس مطلب را املا می کردند؛ چنان که امام علی علیه السلامی فرمایند: هر گاه از پیامبر پرسشی داشته ام، پاسخ می گفت:

هیچ آیه ای از قرآن نازل نشد، مگر آنکه آن را برایم قرائت و املا می کرد و من به دست خود می نوشتم. 52 به همین دلیل، در جلسات درس و بحث ائمه اطهار علیهم السلام، عده ای از اصحاب برای یادداشت برداری، به همراه نوشت افزار، در خدمت امام صادق علیه السلام بودند، زراره چنین می کرد 53 و پس از استماع کلام امام علیه السلام، آن را با عین الفاظش می نوشت. ابوبصیر روایت می کند که روزی نزد امام صادق علیه السلام رفتم. امام به من فرمودند: هم اکنون گروهی از مردم بصره اینجا بودند. مطالبی را از من پرسیدند و پاسخ های مرا نوشتند. شما چرا نمی نویسید؟ بدان که شما نمی توانید آموخته های خود را نگاه دارید، مگر آنکه آن را بنویسید. 54

#### 4- خطابه و موعظه

از دیگر روش های آموزشی و تربیتی ائمه بزرگوار علیهم السلام، استفاده از روش «خطابه» بوده است. برخی از آنان از جمله امام علی، امام حسن و امام رضا علیهم السلام 55 با توجه به شرایط سیاسی حاکم بر جامعه، از این روش بهره برده اند. در روش «خطابه»، خطیب برای اقناع مردم زودتر و ساده تر به نتیجه می رسد؛ زیرا وی با یک روان شناسی از جنسیت، کمیت و روحیات مخاطبان، آنان را موعظه و اقناع می کند. از ویژگی های خطابه این است که موضوعات خاص، افراد و گروه خاص، شرایط سنّی و زمان و مکان خاصی 56 در آن لحاظ نیست. پیامبر اکرم و ائمه اطهار علیهم السلام از این روش برای نیل به اهداف خود بسیار بهره برده اند. امام علی علیه السلام با ایراد خطبه های گوناگون در دوران حکومت خود، علاوه بر تربیت دینی مردم، به آموزش مباحث اعتقادی نیز می پرداختند. ایشان موعظه را مایه «صیقل جان»، «برطرف کننده غفلت» و «بیداری» 57 انسان می دانستند و به استماع موعظه امر می کردند. امام علی علیه السلام خطاب به امام حسن علیه السلام فرمودند: قلبت را با موعظه زنده بدار. 58

#### 5- امر به معروف و نهی از منکر

امر به معروف و نهی از منکر از دیرباز، در جوامع اسلامی از جایگاه والایی برخوردار بوده و از این طریق، حاصل تجربیات و اندیشه ها و شریعت صحیح به نسل های بعد منتقل می شده است. ائمه اطهار علیهم السلام نیز در تربیت دینی مردم و اصلاح خطاها و رفتارهای شیعیان، از این ابزار استفاده نموده و مترّبان خود را گام به گام به اهداف دین اسلام نزدیک کرده اند؛ چنان که امام رضا علیه السلام محمد بن عاصم را از همنشینانی با واقفیه نهی نمودند 59 و نیز امام کاظم علیه السلام علی بن عقبه را به اجرای صحیح رکوع در نماز ارشاد نمودند. 60

#### 6- تمسک به قرآن و سنّت

از جمله شیوه های مهم و کاربردی در سیره ائمه اطهار علیهم السلام برای آموزش و تربیت مردم، استفاده و استناد به قرآن کریم و حدیث و سنّت پیامبر و امامان معصوم علیهم السلام است. آنها معیار و صقل تعلیم و تربیت را قرآن، رفتار و گفتار پیامبر دانسته و به همین دلیل در موضوعات آموزشی و مناظرات و احتجاجات علمی، 61 از آن بهره برده اند. ایشان معیار و ملاک بازشناسی عقاید درست از نادرست را در تعلیم و تربیت اسلامی، مراجعه به قرآن و سنّت می دانند؛ چنان که امام سجاد علیه السلام در این باره می فرمایند: قرآنی، که راهنمای مردم و نشانه آشکار هدایت است، تمیزدهنده حق از باطل است. 62

لازم به ذکر است که پیشوایان دین علیهم السلام در سیره تربیتی خود، با اولویت سنجی از شرایط زمان، به این منابع و ابزارها تمسک جسته اند. برای آموزش دین اسلام به مردم، آنان گاهی از قرآن و گاهی از سنّت پیامبر کمک می گرفته اند. امام علی علیه السلام هنگامی که

عبدالله بن عباس را برای گفت و گو با خوارج فرستادند، به او فرمودند: با ایشان به وسیله قرآن مناظره مکن؛ زیرا قرآن بار معانی گوناگون را تحمل می کند. تو چیزی می گویی و آنها چیزی می گویند، بلکه با ایشان به وسیله سنت پیامبر مناظره کن که راه گریزی نیابند. 63

### 7- مناظره و استدلال

از جمله فعالیت های علمی امامان معصوم علیهم السلام، شرکت در مناظره و پاسخ گویی به شبهاتی بود که در زمینه مسائل عقیدتی آن دوران میان مسلمانان و برخی از فرقه ها و دیگر مذاهب رواج داشت. این افراد گاهی برای دریافت پاسخ و گاهی برای مبارزه با عقاید امامیه به مناظره می پرداختند. هدف ائمه هدی علیهم السلام در برخورد با مناظره کنندگان، بیان و آموزش حقیقت دین، پاک سازی عقیده اسلامی از انحراف، و آموزش استفاده از این ابزار به شاگردان خویش بود. امام صادق علیه السلام هر یک از شاگردان خود را در علوم خاصی متخصص کرده بودند و به گزارش هشام بن سالم، هنگام مراجعه مردی از شام برای مناظره با امام صادق علیه السلام فرمودند: می خواهی در چه علمی (موضوعی) مناظره کنی؟ سپس امام علیه السلامدر همان علم، او را برای مناظره به شاگردان خود معرفی می کردند. 64

موضوع مناظرات بیشتر عقیدتی کلامی (قرآن و توحید)، 65 مسائل فرقه ای و فقهی بود. ائمه اطهار علیهم السلام نیز به تناسب، برای پاسخ به شبهات حضور می یافتند و از مکتب شیعه دفاع می کردند. 66 پاسخ گویی آنان به مسائل مطرح شده گاهی در قالب استدلال عقلی صورت می گرفت و گاهی نقلی با استناد به آیات قرآن کریم و در برخی موارد، به کمک خرق عادت؛ زیرا هدف آنان تربیت و اصلاح نظام عقیدتی جامعه بود. یکی از معروف ترین احتجاجات و مناظرات آنان در دفاع از حقانیت شیعه و اثبات حقانیت اهل بیت علیهم السلام، مناظره امام رضا علیه السلام با متکلمان دیگر ادیان بود که به دعوت مأمون و با پی گیری فضل بن سهل صورت گرفت. 67 از جمله دیگر احتجاجات مشهور و معروف، احتجاج امام علی علیه السلام با ابوبکر بر سر غصب حق خلافت و جانشینی پیامبر بود. 68 امام علی علیه السلام در این مناظره، به ابوبکر، که حق آن حضرت را غصب کرده بود، فرمودند: اگر از سوی شورا کار آنان را به دست گرفته ای، چگونه شورایی بود که صاحبان رأی و مشورت در آن حاضر نبودند؟ و اگر به بهانه خویشاوندی بر خصمان خود حجت آورده ای، ما به پیامبر از تو نزدیک تریم! 69

### 8- کرامت

خرق عادت و یا به عبارت دیگر، کرامت اهل بیت علیهم السلام به عنوان یک روش آموزشی در خدمت تعلیم و تربیت جامعه قرار داشته و از این طریق، به عنوان روشی آموزشی برای اثبات حقانیت اسلام و امامت خود استفاده کرده اند. شاید بتوان گفت: علت اصلی به کارگیری این ابزار، شرایط وقت جامعه بود؛ زیرا برخی با عدم درک درست از مقام امامت و ولایت، در پی دریافت حقانیت شخصیت و مقام آنان بودند. اهل بیت علیهم السلام نیز به مقتضای حال پرسشگر، به این مهم عنایت داشتند و به تعلیم اصول و سیره واقعی خود می پرداختند. در گزارشی از منابع روایی، شخصی امام کاظم علیه السلام را در راه ملاقات کرد و گفت: ای فرزند رسول خدا، من خدا را شاهد می گیرم که محتاج شما هستم. پس مرا بر آنچه شناختنش بر من لازم است راهنمایی کنید. امام کاظم علیه السلام امامت امیرالمؤمنین و حقانیت ایشان پس از رسول خدا صلی الله علیه و آله و امامان شیعه تا امام صادق علیه السلام را برای او بیان کردند و سپس سکوت کردند. آن مرد گفت: فدایت شوم، امروز امام کیست؟ امام فرمودند: اگر بگویم قبول می کنی؟ گفت: بلی. امام علیه السلام فرمودند: من هستم. آن مرد گفت: به چه چیزی استدلال می کنید؟ حضرت فرمودند: به سوی آن درخت برو

و به او بگو: موسی بن جعفر علیه السلام به تو می گوید: بیا. می گوید: درخت را دیدم که زمین را شکافت و جلوی آن حضرت آمد و بعد امام کاظم علیه السلام اشاره کردند و درخت برگشت. 70

#### 9- دعا

استفاده از دعا و ذکر یکی دیگر از ابزارها و شیوه های کار ائمه اطهار علیهم السلام در آموزش و پرورش مردم بود. آنان از ذکر و دعا بیشتر برای تربیت معنوی، دینی و اعتقادی مردم بهره برده اند. در این روش، به ویژه امام سجّاد علیه السلام، با سنجش شرایط زمانی و سیاسی مدینه به وسیله دعا به پرورش فکری شیعیان پرداخته و صحیفه سجّادیه را، که نمایانگر سیره تربیت دینی و حتی سیاسی و اعتقادی ایشان در پرداختن به مباحث شناخت ذات و صفات خداوند، مقام و منزلت پیامبر و امامان شیعه علیهم السلام است بر جای گذاشته اند. 71

#### 10- نامه و پیمان نامه

یکی دیگر از شیوه ها و ابزارهای آموزشی و پرورشی ائمه دین علیهم السلام، روش «مکاتبه» و نگارش نامه بوده است. اگرچه آنان برخی آثار علمی را برای هدایت مردم به وجود آورده اند، اما گاهی برای نمونه امام علی علیه السلام از طریق نگارش نامه علاوه بر تذکر به مسلمانان در عمل به فرامین اسلامی، معیارهای صحیح دین را از این طریق به آنان آموخته اند. آن حضرت در نامه های خود خطاب به قثم بن عبّاس، 72 سلمان فارسی، 73 و ابن عبّاس 74 و دیگر اطرافیان، به مدیریت خود در هدایت و تربیت نخبگان جامعه، استحکام بخشیده اند. آن حضرت در نامه ای تربیتی خطاب به حارث همدانی به وی چنین نگاشته اند: به ریسمان قرآن چنگ بزن و از آن نصیحت بجوی؛ حلالش را حلال بدان و حرامش را حرام. حقی را که پیش از این بوده است تصدیق کن. . . نام خدا را بزرگ شمار و جز برای حق بر زبان میاور. از مرگ و جهان پس از مرگ زیاد یاد کن و آرزوی مرگ مکن، مگر به شرطی محکم و استوار. 75

نیز در گزارش دیگری، امام صادق علیه السلام به اصحاب خود نامه نوشتند و دستور دادند که آن را پیوسته مطالعه کنند و به یکدیگر تعلیم دهند و بدان عمل نمایند. 76 در برخی موارد، ائمه اطهار علیهم السلام در قالب پیمان نامه میان دو یا چند گروه از مردم، رفتارهای تربیتی را یادآوری و آنان را به اجرای آن ملزم کرده اند؛ همانند پیمان نامه ای که امام علی علیه السلام میان «ربیع» و یمن نوشتند. در این پیمان نامه، به مواردی همچون، یادگیری و پیروی از قرآن، امر به معروف، نهی از منکر و تعهد بر پیمان و عدم نقض آن اشاره شده است: این پیمان نامه ای است که اهل یمن و مردم «ربیع»، چه آنها که شهرنشین هستند و چه آنها که بیابان نشین هستند، بر آن توافق کرده اند که از کتاب خدا پیروی کنند و مردم را به آن فراخوانند و از مردم بخواهند که آن را بپذیرند، و هر کس را که به کتاب خدا دعوت کند و بدان فرمان دهد اجابت کنند. . . عهد و پیمان خدا در این عهدنامه برعهده شماست، و از پیمان خدا سؤال خواهند کرد. 77

#### ویژگی های معلّم از منظر ائمه اطهار علیهم السلام

از منظر ائمه اطهار علیهم السلام مربّی و معلم علمی و تربیتی مسلمانان باید دارای ویژگی هایی باشد که به کیفیت کار آنان ارزش دهد. برخی از این ویژگی های مهم عبارتند از:

#### 1- خودسازی پیش از آموزش

امام علی علیه السلام می فرمایند: هر که خود را پیشوای مردم خواهد، باید که پیش از ادب کردن دیگران، به ادب کردن خود پردازد و باید که ادب کردن دیگران به کردار باشد، نه به گفتار. کسی که آموزگار و ادب کننده خویش است، به تعظیم سزاوارتر است از آنکه آموزگار و ادب کننده مردم است. 78

## 2- تعهد بر آموزش و پرورش

امیرالمؤمنین علیه السلام در این باره می فرماید: خداوند دانایان را موظف ساخت که نادانان را تعلیم دهند. 79 و در جای دیگر می فرماید: والی نباید در بیان احکام و حدود الهی توقف نماید، و نه کسی باشد که سنت را فرومی گذارد تا امت را به هلاکت اندازد. 80

## 3- پرهیز از خشونت

بردباری از بهترین ویژگی های یک مربی با ایمان است. معلمی که در تربیت شاگردان خویش از منطق خشونت استفاده کند علاوه بر تخریب توانایی های شاگردان، علاقه مندی آنان به فراگیری علم و ادب اسلامی را نیز نابود می کند.

## 4- پاسخ گویی به پرسش های دینی

امام علی علیه السلام خطاب به قثم بن عباس می فرماید: هر بامداد و شامگاه در مجلس ایشان بنشین و کسی را که در امری فتوا می خواهد فتوا بده. 81

## 5- موقعیت سنجی

از امام علی علیه السلام روایت شده است که انسان ها همیشه در یک حالت قرار ندارند [گاهی] دل ها را شوق روی آوردن به کاری است یا میل روی برگرداندن از آن. اگر دل را شوق روی آوردن بود آن را به مستحبات و ادار و اگر میل روی برگردانیدن بود به همان واجبات بسنده کن. 82

## 6- رعایت آداب آموزشی

از جمله ویژگی هایی که اسلام برای یک معلم در نظر دارد توجه دادن وی به نکاتی است که علاوه بر بعد تربیتی، نوعی عبادت نیز محسوب می شود. ائمه اطهار علیهم السلام به عنوان یک معلم، در برنامه آموزشی و تربیتی خود به این نکات توجه داشتند و دیگران را بدان سفارش می کردند. از جمله این نکات شروع هر کاری با نام و حمد خداوند، داشتن طهارت و با وضو بودن هنگام فعالیت، 83 تواضع، و عمل به آموزه ها 84 است.

## مواد آموزشی در سیره ائمه اطهار علیهم السلام

در دیدگاه امامیه، دانش انبیا و امامان معصوم علیهم السلام برتر از دانش تمام اهل زمان خود است. 85 این دانش موهبتی الهی است که از امامی به امام دیگر منتقل می شود. از این رو، آنها به عنوان مربیان جامعه اسلامی، وظیفه دارند در بعد تربیت عبادی و اعتقادی، اخلاق و آداب اجتماعی آموزش مردم بپردازند و زمینه آن را فراهم کنند. نیز یادآوری این نکته لازم است که اعمال و رفتار آنها در تعلیم و تربیت اسلامی حجت است.

## 1- تفسیر و قرائت قرآن

مقتضای نبوت این است که آنها پیام الهی را دریافت کنند و به مردم برسانند؛ زیرا مهم ترین معارف اسلام برای هدایت و راهنمایی انسان در قرآن تبیین شده و مردم در مقام ابلاغ رسالت انبیا، به تفسیر آن نیز نیاز دارند. به همین دلیل، یکی از وظایف اصلی انبیا تفسیر و تبیین وحی است؛ چنان که قرآن کریم می فرماید: «... و ما این ذکر (قرآن) را بر تو نازل کردیم تا آنچه را به سوی مردم نازل شده است برایشان روشن سازی.» 86

امامان شیعه نیز در عصر خویش، آیات الهی را گاهی به صورت عمومی برای مردم و گاهی خصوصی برای فرزندان و یاران برجسته خویش تبیین و تفسیر می کردند تا بتوانند مردم را به سوی سعادت سوق دهند؛ چنان که علی بن ابی طالب علیه السلام پس از اقامه نماز صبح تا طلوع آفتاب، به تعقیبات نماز می پرداختند و به فقرا و دیگر مردمان، که گرد ایشان جمع می شدند، فقه و قرآن می آموختند. 87 نیز امیرالمؤمنین علیه السلام در نامه ای خطاب به امام

حسن علیه السلام می فرمایند: مصمم شدم که نخست کتاب خدا را به تو بیاموزم و از تأویل آن آگاهی سازم و پیش از پیش به آیین سلامت آشنا گردانم. 88 همچنین آن حضرت در توجه و اهمیت به یادگیری قرآن می فرماید: قرآن را بیاموزید که بهترین سخن است و آن را نیک بفهمید که بهار دل هاست و از پرتو آن شفا بجوید که شفاى سینه هاست و نیکو تلاوتش کنید که نافع ترین گفتارهاست. 89

## 2- فقه

یکی دیگر از مواد آموزشی معصومان علیهم السلام به شاگردان برجسته خویش و مردم، آموزش احکام و یا فروع دین و قواعد استنباط آن در مباحث مطرح شده و مستحدثه زمان است. دغدغه اصلی ائمه معصوم علیهم السلام به این امر معطوف بود که شیعیان احکام را به خوبی یاد بگیرند و به نسل های بعد منتقل کنند. آنان در خصوص آموزش احکام به شیعیان و حتی فرزندان و بستگان خود، تلاش می کردند و از آن دریغ نمی ورزیدند؛ چنان که امام علی علیه السلام در سخنی خطاب به امام حسن علیه السلام می فرمایند: مصمم شدم که پیش از پیش تو را به آیین اسلام آشنا گردانم تا احکام حلال و حرام آن را فراگیری. 90 همچنین زراره نقل می کند: من در جوانی نزد امام صادق علیه السلام رفتم. امام نمازها و روزه مستحب را برای من برشمردند. 91 امام علی علیه السلام در راستای این حرکت بزرگ، خطاب به والی خود، قثم بن عباس، به وی یادآور می شوند: حج را برای مردم برپا دار و ایام الله را به یادشان بیاور و هر بامداد و شامگاه در مجلس آنان بنشین و کسی را که در امری فتوا می خواهد، فتوا بده. 92

## 3- اصول اعتقادی

### الف. خداشناسی

در آموزش معارف اسلامی، اولین نکته مهم و اساسی توجه دادن فطرت انسان ها به شناخت خداوند است. ائمه اطهار علیهم السلام نیز برای هدایت دقیق مسلمانان، شناخت خداوند در ابعاد گوناگون توحید، ربوبیت و خالقیت را با استفاده از براهین عقلی و نقلی در رأس امور تربیتی می دانستند؛ زیرا با توجه به سؤال ها و شبهاتی که برای مسلمانان در دوره حضور پیش می آمد لازم می نمود درباره موضوعات گوناگون، از جمله قضا و قدر، اراده الهی، صفات خداوند، جبر و اختیار در کرسی درس خود پاسخ دهند و به معرفی خالق یکتا بپردازند. امام علی علیه السلام می فرمایند: اساس دین، شناخت خداوند است، و کمال شناخت او تصدیق به وجود اوست، و کمال تصدیق به وجود او یکتا و یگانه دانستن اوست، و کمال اعتقاد به یکتایی ویگانگی او پرستش اوست. 93 و نیز می فرمایند: فرزندانم، بدان که هیچ کس از خدا خبر نداده آنسان که پیامبر ما خبر داده است. پس بدان راضی شو که او را پیشوای خود سازی و راه نجات را به رهبری او بیویی. 94

### ب. پیامبرشناسی و امام شناسی

از دیگر اهداف آموزشی و تربیتی ائمه معصوم علیهم السلام آشنا کردن مردم به جایگاه پیامبر و امام در نظام آفرینش و فلسفه ارسال و رسالت و ویژگی ها و فضایل آنان است. از منظر آنان، امامت و رهبری عامل نظام بخشیدن به جامعه و حاکمیت نظم و قانون است. 95 نیز آنان وظیفه حقوق افراد جامعه را بستانند و به دفع باطل بپردازند. 96 ائمه اطهار علیهم السلام برای اثبات و تبیین ضرورت 97 و ویژگی های انبیا و امامت، 98 به قرآن، سنت نبوی، ادله نقلی و عرفی و امور خارق العاده و کرامات استناد می کردند و به تعلیم سیره و مغازی پیامبر و خود می پرداختند. امام سجّاد علیه السلام می فرمایند: همان گونه که سوره ای از قرآن می آموختیم، مغازی

رسول خدا را هم می‌آموختیم. 99 امام علی علیه السلام نیز در سخنی زیبا، در حضور مردم به معرفی مقام پیامبر و امامان شیعه علیهم السلام پرداختند و در این باره فرمودند: خداوند سبحان از میان فرزندان آدم، پیامبرانی برگزید و از آنان پیمان گرفت که هر چه را به آنها وحی می‌شود به مردم برسانند و در امر رسالت او امانت نگه دارند. . . . پیامبران از پی یکدیگر آمدند تا از مردم بخواهند عهدی را که خلقتشان بر آن سرشته شده است، به جای آورند. . . . خداوند سبحان محمد صلی الله علیه و آله را فرستاد تا وعده خود برآورد و دور نبوت را به پایان برد. خداوند محمد صلی الله علیه و آله را به حق به پیامبری مبعوث داشت تا بندگانش را از پرستش بت‌ها برهاند و به پرستش خود راهنمایی کند و آنان را از پیروی شیطان منع کند و به فرمان او آورد، با قرآنی که معانی آن را روشن ساخت و بنیانش را استوار داشت. 100

ایشان همچنین می‌فرمایند: هر آینه آنچه بر عهده امام است، این است که آنچه را خداوند بدان فرمان داده است به جا آورد؛ همچون رساندن مواعظ و سعی در نیک خواهی و احیای سنت پیامبر و اقامه حدود خدا بر کسانی که سزاوار آن هستند و ادای حق هر کس از بیت المال. 101 و می‌فرمایند: جز این نیست که امامان از سوی خدا، کار آفریدگان او را به سامان آورند، و از جانب او بر مردم سروری یافته‌اند. به بهشت نرود، مگر کسی که آنها را شناخته باشد و آنها او را شناخته باشند. 102 امام علی علیه السلام در این سخنان به تبیین فلسفه وجودی، وظایف و ویژگی‌های انبیا و اوصیای آنها برای دانش‌آموختگان مکتب اسلام پرداخته و افکار مردم را در شناخت آنان، به این اصول توجه می‌دهد. امام صادق علیه السلام نیز در جهت امام شناسی و پیامبر شناسی، در روایتی درباره فلسفه وجودی آنها خطاب به جابر چنین می‌فرمایند: [وجود پیامبر و امام مورد نیاز است] تا جهان بر صلاحش باقی بماند. 103

#### ج. معادشناسی

هدف دیگر ائمه اهل بیت علیهم السلام توجه دادن مسلمانان به این نکته است که وراثت این جهان مادی جهان دیگری وجود دارد که از آن در قرآن و روایات به «قیامت» تعبیر می‌شود. انسان با مرگ از بین نمی‌رود، بلکه فقط روح او از بدنش جدا می‌شود. این روح تا مدتی در مکانی به نام «برزخ» به زندگی خود ادامه می‌دهد تا روز قیامت و رستاخیز فرارسد. در آن روز، به اعمال انسان رسیدگی می‌شود و معیار حساب و کتاب بر رفتار انسان در دنیا است. امام علی علیه السلام در خطبه ای خطاب به مردم می‌فرمایند: امروز نوبت کار است و نه محاسبه و به زودی نوبت محاسبه می‌شود و در آن هنگام، کار پذیرفته نیست. 104 بنابراین، از نگاه ائمه اطهار علیهم السلام آموزش و توجه دادن مردم به مباحث معاد، نیل به کمال تسلیم انسان در برابر خداوند در تمام سطوح فردی و اجتماعی است؛ زیرا تعلیم و تربیت اسلامی به نیازهای جسمانی و روحانی انسان توجه دارد و آنها را اصل می‌داند.

#### د. انسان شناسی و گیتی شناسی 105

در بعد شخصیتی و حتی فیزیولوژیکی انسان، ائمه معصوم علیهم السلام در تلاش بوده‌اند تا به تبیین وجودی آن بپردازند و بدین گونه، مسلمانان را به هدفی برتر، که عبارت از خودشناسی و خداشناسی است، برسانند. امام علی علیه السلام در نهج البلاغه 106 و امام رضا علیه السلام 107 در سفارش‌های خود به جناب مفضل، به معرفی شخصیت انسان از ابعاد مختلف پرداخته‌اند. در حوزه گیتی شناسی، آنان به بیان ویژگی‌های آسمان، زمین، کیفیت آفرینش موجودات و نقش آنها در سیر حرکت تاریخی بشر پرداخته‌اند. 108

#### ه. اخلاق و تربیت دینی

تربیت اخلاقی شیعیان با تمسک به متون دینی، 109 از مهم‌ترین اهداف ائمه اطهار علیهم

السلام بوده است؛ زیرا اگر اخلاق یک جامعه اصلاح گردد زمینه تعلیم و تربیت دینی بهتر فراهم می شود و تأثیر دوچندانی دربر دارد. باید یادآور شد که رفتار و گفتار ائمه اطهار علیهم السلام بهترین الگو برای شیعیان بوده، اما با این حال، همیشه آنان را به اخلاق، تقوا و ادب اسلامی دعوت کرده اند. امام علی علیه السلام در سفارش به مردم، نقطه عطف جامعه سالم را اخلاق اسلامی و ارزش معنوی آن می دانند و در این باره می فرمایند: ای فرزندانم، . . . گرامی ترین حسب و نسب خلق نیکوست. 110 هیچ همنشینی همچون خوش خویی و هیچ میراثی همچون ادب نیست. . . هیچ تجاربی همچون عمل صالح نیست. 111 هیچ میراثی همچون ادب و تربیت برای فرزندان با ارزشمند نیست 112 حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو برایش برگزیند و نیکو ادبش کند و بدو قرآن بیاموزد. 113

#### 4- علم حدیث و کلام

علم حدیث و کلام از جمله علوم است که مورد عنایت ائمه اطهار علیهم السلام در آموزش به شیعیان بوده است. آنان با عنایت به اصول این فن، به تعلیم و تربیت شاگردان در ترویج احادیث نبوی و علوی پرداخته اند. برای مثال، امام علی علیه السلام در آموزش شیعیان برای مراجعه به راوی و شناخت ویژگی های او، می فرمایند: و حدیث ما را فرانگیر، جز سینه های امین و خردهای استوار. 114 هرگاه خبری شنیدید آن را نیک بفهمید و در آن بیندیشید، نه اینکه بشنوید و نقل کنید؛ زیرا نقل کنندگان علم بسیاریند، ولی اندیشه کنندگان در آن اندکند. 115 ائمه اطهار علیهم السلام در زمینه علم کلام نیز با تشکیل کرسی های این علم، به تربیت شاگردان برجسته ای همچون هشام بن حکم، قیس ماصر 116 و هشام بن سالم پرداختند. این شاگردان نیز آثاری کلامی در دفاع از حریم شیعه تدوین کردند. 117 شاگردان تربیت شده این مکتب در کلام، و در مناظره با خصم به حدی توانا بودند که با قدرت استدلال خویش، رقیب را به سکوت وامی داشتند؛ چنان که عمّار خطاب به عثمان گفت: مرا از سخن و اظهار حقایق بازدار و از اینکه جلوی گفته های مرا بگیری خودداری کن. معلم من (علی علیه السلام) مطالب را به من تعلیم داده و مرا از گزند تو حفظ کرده است. 118

#### 5- آموزش مدیریت 119 سیاسی اداری

با توجه به شرایط سیاسی و اجتماعی حاکم بر جامعه مسلمانان، اهل بیت علیهم السلام برای مدیریت سیاسی شیعیان، علاوه بر آموزش آنان، در توجه به تقیه و دیگر مبانی اندیشه سیاسی در عصر حضور، تلاش فراوان می کردند. این مدیریت قوی آنان مورد توجه خلفا نیز قرار گرفت و آنان برای رهایی از مشکلات، به اهل بیت علیهم السلام مراجعه می کردند؛ چنان که در جریان جنگ خلیفه دوم با رومیان، عمر بن خطاب با امام علی علیه السلام به رایزنی پرداخت و آن حضرت خطاب به وی فرمودند: اگر خودت به سوی دشمن بروی و با دشمن رویارو شوی، اگر مغلوب گردی، مسلمانان را تا اقصای بلادشان پناهگاهی نمی ماند و پس از تو مرجعی ندارند که بدان بازگردند. پس مردی سلحشور را به سوی ایشان بفرست و سپاهی گران همراهِش کن که هم جنگ آزموده باشند و هم نیکخواه اسلام؛ اگر خداوند پیروزش گرداند همان است که تو خواسته ای، و اگر کار به گونه ای دیگر افتاد، در آن حال، تو پناه مردم و مرجع مسلمانان خواهی بود. 120

در مدیریت سیاسی اداری، اهل بیت علیهم السلام بیشتر به بیعت شیعیان با آنها و نیز بر اهمیت عدالت و تقوا 121 و پرهیز حاکم مسلمانان از فریب و نیرنگ در مواجهه با مردم، مهربانی و رعایت انصاف با رعیت و دوست داشتن آنها، پرهیز از غرور و نخوت، فروتنی و پرهیز از استبداد و اجتناب از به کارگیری افراد ناسالم در مسائل مهم تصمیم گیری برحذر می داشتند. امام علی



علیه السلام در سخنی، عملاً به پرهیز از به کارگیری طلحه و زبیر به خاطر فساد عقیده تأکید کردند و در این باره فرمودند: شما تنها با من در نیرو بخشیدن و پایداری کردن باشید و هنگام سختی و درماندگی، دو یار من باشید، و در مدیریت سیاسی جامعه نقشی ندارید. 122

### 6- تاریخ

«تاریخ» در اصطلاح، علم به وقایع و حوادث و اوضاع و احوال زندگانی گذشتگان، ثبت و ضبط حوادث تلخ و شیرین و بیان فراز و نشیب های زندگی پیشینیان است. قرآن کریم تاریخ را آینه عبرت انسان ها معرفی می کند و در این باره می فرماید: «در سرگذشت آنها، درس عبرتی برای صاحبان اندیشه است.» 123

تاریخ به دلیل اهمیتی که در اسلام دارد، مورد توجه خاص ائمه اطهار علیهم السلام و شیعیان آنها قرار گرفته است. امام علی علیه السلام در نامه ها و خطبه های خویش، در آموزش و تربیت مردم، بخشی از سخنان خود را به مطالعه تاریخ و عبرت گیری از آن اختصاص داده اند. آن حضرت در مقاطع گوناگون تاریخی، از اتفاقات سیاسی، نظامی و تاریخ اجتماعی پیش 124 و پس از اسلام 125 و فلسفه تاریخ سخن به میان آورده و شیعیان را به تعمق و تفکر در تاریخ و مطالعه آن فراخوانده اند. ایشان در نامه ای خطاب به امام حسن علیه السلام، در توجه ایشان به تاریخ و درس گرفتن از آن چنین می فرمایند: پسر، من اگرچه به اندازه پیشینیان زندگی نکرده ام، اما با نظر در اعمال آنها و تفکر در تاریخ و سیر در آثار باقی مانده از ایشان، گویی یکی از آنها هستم. . . پس برایت بخش های زلال و سودمند تاریخ را از بخش های تیره و زیان بارش بازشناخته و از هر جریان بی بهترین آن را برایت چیده ام و زیبایش را برگزیده ام و بخش های ناشناختنی را به کناری زده ام. از موضع پدری دلسوز، که در کار فرزند خود می نگرد، در کار تو نگرسته ام و برایت از ادب چیزهایی اندوخته ام تا بیاموزی و به کار بندی. 126 اخبار گذشتگان را بر (دل خویش) عرضه بدار و از آنچه بر سر پیشینیان تو رفته است آگاهش کن. بر خانه ها و آثارشان بگذر و در آنچه کرده اند و آن جای ها که رفته اند و آن جای ها که فرود آمده اند، نظر کن. 127

### 7- حقوق

بارزترین سخن از سوی اهل بیت علیهم السلام در بیان حقوق هر گروه از جامعه مسلمانان، سخن امام سجّاد علیه السلام در رساله حقوق است. در این رساله، ایشان با بیانی روشن و به طور کلی، به آموزش حقوق می پردازند و مسلمانان را به عمل و یادگیری آن سفارش می نمایند؛ زیرا با تعلیم این علم، تمام اقشار جامعه اسلامی با حدود رفتار خود آشنا می شوند و در این زمینه، مشکلات کمتری دامنگیر جامعه خواهد شد. 128

### 8- ادبیات

از جمله تلاش های ماندگار پیشوایان دین در آموزش قرآن به مسلمانان، تدوین ادبیات عرب برای قرائت آن بوده است. ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی می نویسد: ابوالاسود می گوید: یکی از روزها خدمت علی علیه السلام رسیدم و دیدم آن حضرت در حال تفکر و و اندیشه است. عرض کردم یا امیرالمؤمنین، در چه موضوعی فکر می کنید؟ فرمودند: امروز یکی از نزدیکان من هنگام محاوره و مکالمه، مرتکب اغلاطی شد و الفاظ و کلمات را درست تلفظ نکرد و من از این جهت در فکر و اندیشه فرورفتم و باید برای این کار چاره ای بیندیشم. ابوالاسود می گوید: در این هنگام، علی علیه السلام صفحه ای به من دادند که در آن نوشته بودند: کلام بر سه قسم است: اسم، فعل و حرف، و پس از آن، اصول و قوانینی به من تعلیم دادند و اصل علم نحو از اینجا پدید

## 9- علوم نظامی

یکی از نیازهای ضروری هر جامعه تأمین امنیت سیاسی، اجتماعی و جغرافیایی است که جز با اختیار داشتن نیروی مسلح کارآمد برای مقابله با دشمن خارجی و یا سرکوب اشرار داخلی امکان پذیر نخواهد بود. امام علی علیه السلام برای آموزش نظامی و افزایش کارایی نیروهای مسلح، نکات ارزشمندی به سربازان و فرماندهان سپاه آموزش می دادند که از آن جمله عبارتند از:

### الف. فنون رزمی

در بعد فنون رزمی، حضرت علی علیه السلام خطاب به معقل بن قیس می فرمایند: جنگ مکن، مگر آنکه با تو بجنگند. و لشکرت را در ابتدا یا انتهای روز به حرکت درآور و هنگام گرمای نیمروز فرود آور. و مرکب ها را خسته مکن و در آغاز شب، لشکر را به حرکت درمیاور که خداوند شب را برای آسودن قرار داده است. . . هر گاه با دشمن رویاروی شدی، خود در میانه لشکرت قرار گیر، و به دشمن چنان نزدیک نشو که پندارد قصد حمله داری و چندان دور مایست که چون کسی باشی که از جنگ بیمناک است، تا فرمان به تو برسد. 130 ایشان در جای دیگر می فرمایند: در مقابل دشمن، آن گروه از جنگاوران را که زره بر تن دارند، پیش داری و آنان را که زره بر تن ندارند در عقب بگمارید. . . ؛ چون نیزه را به سوی شما گرفتند بی درنگ بپیچید که این کار شما را از آسیب سرنیزه ها در امان می دارد. 131 گریختنی که پس از آن بازگشتنی باشد یا واپس نشستنی که از پی آن حمله ای باشد بر شما گران نیاید. حق شمشیرها را ادا کنید و پهلوهای دشمن را بر خاک هلاک آورید. 132 ای گروه مسلمان، ترس از خدا را شعار خود سازید و جامه آرامش و شکیبایی بر تن کنید. . . جنگ افزارهای خویش را مهیا کنید و شمشیر را پیش از آنکه آخته کنید در نیام هایشان بیازمایید. 133

### ب. اصول اخلاقی جنگ

امام علی علیه السلام می فرمایند: اگر دشمنت تو را به صلح فراخواند، از آن روی بر متاب. کسی را در میدان به مبارزت فراخوان یعنی: آغازگر جنگ مباش و اگر تو را فراخواندند، پاسخ گوی. 134

## 10- امور اجتماعی

### الف. ورزش

امیرالمؤمنین علیه السلام به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمایند: به فرزندان خود شنا و تیراندازی بیاموزید. 135

### ب. آداب تجارت 136

آداب تجارت در دو بعد «اخلاق» و «فقه» مطرح می شود و اهل بیت علیهم السلام در هر دو بعد به تعلیم آن به مردمان و شاگردان خویش اقدام کرده اند. به فرموده امام صادق علیه السلام، تجارت عقل را می افزاید. 137 امام علی علیه السلام نیز درباره آداب تجارت می فرمایند: هر کس علم فقه نداند و تجارت کند در ورطه ربا افتد. 138 مؤمن کسی است که در پی تحصیل معاش خویش باشد. 139 نیز امام صادق علیه السلام درباره آموزش آداب تجارت اسلامی می فرمایند: هر چیزی حلال و حرامی دارد. پس همیشه آن چیز بر تو حلال است تا آنکه نوع حرام آن را بشناسی. پس در آن صورت آن را ترک کن. 140 کسی که می خواهد تجارت کند، باید در دینش شناخت داشته باشد تا حلال را از حرام بازشناسد، و کسی که شناخت دینی ندارد دلی تجارت می کند، خود را در شبهات افکنده است. 141

### ج. بهداشت و آداب و رسوم اجتماعی

از دیگر مواد تربیتی در سیره بزرگان دین علیهم السلام آموزش آداب و رسوم اجتماعی و بهداشت فردی و اجتماعی است. برای مثال، در زمینه تربیت بهداشتی مردم، امام صادق علیه السلام می فرماید: برای هر چیزی پاک کننده ای است و پاک کننده دهان مسواک است. 142 در زمینه آموزش آداب اجتماعی، یکی از کارهایی که هر روزه با آن سر و کار داریم، غذا خوردن است. بزرگان دین علیهم السلام غذا خوردن را با نام خدا شروع و با شکر خدا تمام می کردند و دیگران را نیز به این کار سفارش می نمودند. امام صادق علیه السلام به یکی از اصحاب فرمودند: هرگاه سفره انداخته شد، بگو: «بسم الله» و هر گاه شروع به غذا خوردن کردی، بگو: «بسم الله اوله و آخره» و هنگامی که سفره جمع شد بگو: «الحمد لله» 143

### رتبه بندی مسلمانان در تعلیم و تربیت

در آموزش و پرورش مردم از سوی اهل بیت علیهم السلام، نکته اساسی توجه به صنف متعلّمان و کیفیت درک آنها بود. از نظر امامان معصوم علیهم السلام، شیوه برخورد با هر گروهی متفاوت از گروه دیگر است. امام علی علیه السلام می فرماید: بدان که رعیت چند صنف اند که کارشان جز با یکدیگر اصلاح نمی شود، و از یکدیگر بی نیاز نیستند. صنفی از ایشان لشکرهای خدایند و صنفی دبیران خاص یا عام و صنفی قاضیان عدالت گستر و صنفی کارگزاران که باید در کار خود انصاف و مدارا به کار گیرند و صنفی جزیه دهندگان و خراجگزاران چه ذمی و چه مسلمان و صنفی بازرگانان و صنعتگران و صنفی که حاجتمند و مستمندند. برای هر یک را خداوند سهمی معین کرده و میزان آن را در کتاب خود و سنت پیامبرش بیان نموده و دستور داده که نزد ما نگه داری شود. 144

با توجه به دسته بندی مردم در روایات رسیده از اهل بیت علیهم السلام، آموزش و پرورش انسان ها در هر قشر و گروهی باید از سنین کودکی شروع شود. امام صادق علیه السلام می فرماید: فرزندان را در شش سال دوم، برای آموزش به مکتب بفرست. 145 با توجه به این سفارش ها، شیعیان فرزندان خود را در سنین کودکی به مکتب می فرستادند و اولین چیزی که کودکان در مکتب خانه می آموختند خواندن و نوشتن و تعلیم ادب اسلامی بود. پس از این مرحله، اولین متن در فرایند آموزش و پرورش، خواندن قرآن و فراگیری احکام فقهی بود.

### مکان های تعلیم و تربیت

1- منزل: در روایتی به نقل از کلینی، امام باقر تا پاسی از شب، مسائل علمی و معارف دینی را به زواره می آموختند. 146

2- مسجد: در روایتی آمده است که مکان جلوس صادقین علیهما السلام در مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله مشخص بود. 147

3- مکان های عمومی: 148 در مکان هایی که محلّ استراحت و یا تجمع مردم بود، معصومان علیهم السلام با توجه به نیازهای تربیتی مردم به صورت عام و یاران خویش به طور خاص، در این اماکن به خطابه و موعظه می پرداختند.

### نتیجه

از بررسی منابع روایی و تاریخی در سیره اهل بیت علیهم السلام، چنین به دست می آید که تعلیم دانش و تربیت دینی مردم بر عهده انبیا و اولیای الهی و دو هدف عمده در سیره ائمه اطهار علیهم السلام بوده است. در بُعد تربیتی مسائلی همچون اصول اعتقادی دین و مذهب، احکام و قوانین شرعی و رشد اخلاق مورد توجه بوده است. در زمینه اهداف آموزشی نیز می توان به مسائلی همچون پرورش استعدادها، آموزش علوم گوناگون و خلق آثار علمی تمدن اشاره نمود. ائمه اطهار علیهم السلام برای نیل به این مطلوب از شیوه های گوناگونی همچون

ارتباط چهره به چهره، تربیت شاگردان برجسته، املاک مطالب علمی، مناظره و استدلال و . . . استفاده می کردند. آنان با ارائه و بیان ویژگی های لازم برای یک معلم، وظایف و بایسته های لازم برای چنین افرادی را مشخص نموده و سایرین را برای انتخاب یک مربی و معلم خوب راهنمایی نموده اند. برخی از ویژگی های معلم از منظر اهل بیت علیهم السلام عبارتند از: خودسازی، تعهد و موقعیت سنجی. با عنایت به نکات مزبور می توان گفت از جمله مهم ترین وظایف اهل بیت علیهم السلام آن است که به تدریج، علوم الهی را، که مایه سعادت بشر است، به مردم بیاموزند و زمینه این امر را فراهم سازند و در این راه، با توجه به توانایی ها و سنجش گروه سنی و جنسی مخاطب و با استفاده از ابزارها و شیوه های متفاوت در شرایط و مکان های مختلف، به آموزش و پرورش مردم در موضوعات اعتقادی، فقهی، کلامی، مدیریتی، تاریخی و نظامی بپردازند. امور مذکور سبب آن گردید تا مواد آموزشی اهل بیت علیهم السلام به عنوان یک سیره علمی و تربیتی در بستر زمان توسعه یابد و علوم گوناگونی از آن دامنه گیرد؛ زیرا آنان در این امر مقدّس، علاوه بر اهداف تربیتی، اهداف آموزشی را نیز در نظر داشتند و بر اساس این اهمیت بود که صادقین علیهما السلام با توجه به سنجش شرایط فرهنگی و سیاسی، توانستند شاگردان زیادی برای انتقال علوم به نسل های آینده و دفاع از شریعت اسلام پرورش دهند.

کلیدواژه ها: تعلیم، تربیت، ائمه اطهار علیهم السلام، اهداف، ابزار، شیوه ها، مواد آموزشی. محمدجواد یآوری<sup>1</sup>

#### پی نوشت ها:

- 1 دانش آموخته حوزه علمیه و دانشجوی کارشناسی ارشد تاریخ تشیع.
- 2 احزاب: 21-
- 3 ابن منظور، لسان العرب، 1414، ج 4، ص 389، ذیل واژه «سیر».
- 4 فخرالدین طریحی، مجمع البحرین، 1416، ج 3، ص 340. نیز ر. ک. رضا بهمنیار، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، 1410، ص 507-
- 5 راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، 1412، ص 247-
- 6 علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، 1379، ص 301-
- 7 راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج 1، ص 580.
- 8 سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، 1412، ج 5، ص 22 و 23-
- 9 خلیل بن احمد فراهیدی، العین، 1410، ص 152-
- 10 راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ج 1، ص 580.
- 11 رضا بهمنیار، فرهنگ لغت ابجدی عربی فارسی، ص 419-
- 12 ابن منظور، لسان العرب، ج 5، ص 126-
- 13 راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، ص 336- نیز ر. ک. رضا بهمنیار، فرهنگ لغت ابجدی عربی فارسی، ص 39- صاحب قاموس قرآن ذیل واژه «رب» می نویسد: «مراد از ربّ العالمین، پرورش دادن و تربیت کردن تمام موجودات است. خداوند پرورش دهنده تمام موجودات است؛ هم خلقت از جانب اوست و هم تربیت.» سید علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، ج 3، ص 4344-
- 14 نهج البلاغه، ج 465-
- 15 بقره: 151-
- 16 توبه: 32-

- 17 محمدبن جریر طبری، تاریخ طبری، 1375، ص 1258-
- 18 ابن هشام، السیره النبویه، 1375، ج 1، ص 281-
- 19 ابن سعد، طبقات الکبری، 1374، ج 2، ص 20-
- 20 امام علیہ السلام به عنوان رهبر دینی و سیاسی جامعه، از نظر شیعه باید دارای چند ویژگی خاص، از جمله عصمت، علم و دانش دینی و سیاسی، و کمال باشد.
- 21 سید محمدحسین طباطبائی، تفسیرالمیزان، 1361، ج 4، ص 618-
- 22 شیخ مفید، اوائل المقالات، 1414، ص 65 و 67-
- 23 شیخ مفید، المقنعه، 1410، ص 810-
- 24 نهج البلاغه، 1378، خ 131، ص 202-
- 25 همان، خ 34، ص 99-
- 26 همان، ن 28، ص 648-
- 27 عبدالواحد آمدی، غررالحکم و دررالکلم، 1407، ج 2، ص 29- نیز ر. ک. نهج البلاغه، خ 181-
- 28 نهج البلاغه، خ 131، ص 303-
- 29 همان، خ 109، ص 233-
- 30 محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، 1403، ج 23، ص 44- نیز ر. ک. نهج البلاغه، خ 104-
- 31 محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 2، ص 3-
- 32 همان، ج 2، ص 152-
- 33 محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، 1363، ج 6، ص 155-
- 34 همان، ح 70، ص 827-
- 35 محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، 1365، ج 2، ص 499-
- 36 شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، 1414، ج 4، ص 19-
- 37 نهج البلاغه، خ 233، ص 561-
- 38 همان، ح 94، ص 839-
- 39 احمدبن علی نجاشی، رجال النجاشی، 1416، ص 231-
- 40 همانند صحیفه علی علیه السلام که در زمینه حدیث، به املائی رسول خدا صلی الله علیه و آلهو به خط امام علی علیه السلام بود. محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، 1388ق، ج 1، ص 64-
- 41 همانند صحیفه سجادیه که به املائی امام باقر علیه السلام و توسط زیدبن علی نوشته شد.
- 42 احمدبن علی نجاشی، رجال النجاشی، ص 360.
- 43 ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، 1962م، ج 15، ص 274-
- 44 بقره: 213-
- 45 نهج البلاغه، خ 231، ص 555-
- 46 شیخ صدوق، التوحید، بی تا، ص 8384-
- 47 نهج البلاغه، ن 53، ص 743-
- 48 شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال رجال کشی، 1404، ج 1، ص 391، ش 280.
- 49 همان، ج 1، ص 346-
- 50 شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 18، ص 105-
- 51 نهج البلاغه، ن 53-

- 52 محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 1، ص 64-  
53 شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ص 355-  
54 محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 2، ص 153- نیز ر. ک. شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 1، ص 53-  
55 ر. ک. شیخ صدوق، الامالی، 1400، ص 236-  
56 پیامبر برای ایراد سخن و خطبه، زمانی در مکه بر روی کوه صفا می رفتند و زمانی در مدینه در مسجد به ایراد خطبه می پرداختند.  
57 محمد محمدی ری شهری، میزان الحکمه، ج 10، ص 539-  
58 نهج البلاغه، ن 31، ص 658-  
59 شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج 2، ص 757-  
60 محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 3، ص 321-  
61 ر. ک. احمدبن علی طبرسی، الاحتجاج، بی تا، ج 1 و 2 احتجاجات امام جواد علیه السلام.  
62 صحیفه سجّادیه، 1375، ص 265-  
63 نهج البلاغه، ن 77، ص 789-  
64 شیخ طوسی، اختیار معرفه الرجال، ج 2، ص 554-  
65 همان، ج 2، ص 554-  
66 ر. ک. احمدبن طبرسی، الاحتجاج، ج 1 و 2-  
67 همان، ج 2، ص 199-  
68 احمدبن ابی یعقوب یعقوبی، تاریخ یعقوبی، 1380، ج 1، ص 527- نیز ر. ک. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 28، ص 184-  
69 نهج البلاغه، ج 181، ص 885-  
70 محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 61، ص 188-  
71 ر. ک. صحیفه سجّادیه، ص 30، 35، 99، 156 و 195-  
72 نهج البلاغه، ن 67، ص 775-  
73 همان، ن 68، ص 775-  
74 همان، ن 66 و 72، ص 783-  
75 همان، ن 69، ص 777-  
76 محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 17، ص 173-  
77 نهج البلاغه، ن 74، ص 785-  
78 همان، ج 70، ص 827-  
79 همان، ج 470، ص 1035-  
80 همان، خ 131، ص 303-  
81 نهج البلاغه، ن 67، ص 775-  
82 نهج البلاغه، ج 304، ص 955-  
83 محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 76، ص 50.  
84 محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 1، ص 36-  
85 نهج البلاغه، خ 2-  
86 نحل: 44-  
87 ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، 1896، ج 4، ص 109-

- 88 نهج البلاغه، ن 31، ص 661-
- 89 همان، خ 109، ص 253 / محمدبن عمر واقدی، المغازی، 1369، ص 828-
- 90 نهج البلاغه، ن 31، ص 662-
- 91 محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 3، ص 442-
- 92 نهج البلاغه، ن 67، ص 775- در زمینه تلاش ائمه اطهار علیهم السلام درباره آموزش فقه. ر. ک. ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج 15، ص 274-
- 93 نهج البلاغه، خ 1، ص 29-
- 94 همان، ن 31، ص 665-
- 95 همان، ح 244، ص 912-
- 96 همان، خ 33، ص 95-
- 97 امام صادق علیه السلام فرمودند: «زمین از حالی به حالی نگردد، مگر آنکه برای خدا در آن حجتی باشد که حلال و حرام را به مردم بفهماند.» محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج 1، ص 252-
- 98 امام صادق علیه السلام فرمودند: «رسول خدا صلی الله علیه و آله به حضرت علی علیه السلام بابی از علم آموختند که از آن هزار باب و از هر یک از آن ابواب نیز هزار باب دیگر گشوده می شود.» محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 40، ص 131-
- 99 ابن کثیر، البدایة و النهایة، 1407، ج 3، ص 242-
- 100 نهج البلاغه، خ 2 و 147-
- 101 همان، خ 104، ص 231-
- 102 همان، خ 152، ص 345-
- 103 محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج 23، ص 19-
- 104 همان، ج 74، ص 296-
- 105 ر. ک. نهج البلاغه، خ 83، ص 1- نیز ر. ک. املا امام صادق علیه السلام بر مفضل بن عمر جعفری کوفی، توحید مفضل، 1377-
- 106 نهج البلاغه، خ 82، ص 833-
- 107 ر. ک. توحید مفضل.
- 108 نهج البلاغه، بخش خطبه ها.
- 109 ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات، 1373، ص 163-
- 110 نهج البلاغه، ج 37، ص 813-
- 111 همان، ح 109، ص 849-
- 112 همان، ح 51، ص 819-
- 113 همان، ح 391، ص 997-
- 114 همان، خ 231، ص 555-
- 115 همان، ح 94، ص 839-
- 116 محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، بی تا، ج 1، ص 238241-
- 117 احمدبن علی نجاشی، رجال النجاشی، ص 433 و 434-
- 118 ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات، ص 498-
- 119 امام علی علیه السلام در آموزش مدیریت به رهروان و کارگزاران خود نکات اخلاقی و مدیریت سیاسی و اجتماعی را یادآوری کرده اند تا اهداف نظام امامت در جامعه ساری گردند.

- ر. ک. نهج البلاغه، ن 53، خ 200، ح 152، ن 27-  
 120 همان، خ 134، ص 309-  
 121 همان، خ 16، ص 61-  
 122 همان، خ 16-  
 123 یوسف: 111-  
 124 نهج البلاغه، خ 1، 38، 91 و 103-  
 125 همان، موضوعاتی همچون تاریخ اسلام و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله، تاریخ خلفا، بیعت با امام علی علیه السلام و در خ 1، 3 و 134-  
 126 همان، ن 31، ص 657 به بعد.  
 127 نهج البلاغه، ن 31، ص 659-  
 128 ر. ک. رساله حقوق امام سجّاد علیه السلام، 1385-  
 129 ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی، الغارات، ص 355-  
 130 نهج البلاغه، ن 12، ص 619-  
 131 همان، خ 124، ص 287-  
 132 همان، ن 16-  
 133 نهج البلاغه، خ 65، ص 133-  
 134 نهج البلاغه، ح 225 و ن 53، ص 905-  
 135 شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 21، ص 475-  
 136 در این باره، ر. ک. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، 1367، آداب تجارت / محمد بن یعقوب کلینی، الکافی.  
 137 محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 4، ص 282- نیز ر. ک. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 258-  
 138 نهج البلاغه، ح 439، ص 1021-  
 139 همان، ح 382- نیز ر. ک. شیخ صدوق، من لایحضره الفقیه، ج 4، ص 259-  
 140 شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 17، ص 89-  
 141 همان، ج 17، ص 382-  
 142 شیخ صدوق، علل الشرائع، 1380، ج 1، ص 929-  
 143 شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 16، ص 483-  
 144 نهج البلاغه، ن 52، ص 727-  
 145 شیخ حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج 21، ص 475-  
 146 محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج 3، ص 370.  
 147 محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج 10، ص 154-  
 148 ر. ک. نهج البلاغه، خطبه های امام علی علیه السلام در مقاطع و مکان های گوناگون از جنگ جمل و صفین.

#### منابع:

- آقابخش، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، چاپار، 1379-  
 آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم و درر الکلم، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1407، ج 2-  
 ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق ابوالفضل ابراهیم، بیروت، دارالکتب العربیه، 1896م، ج 4-



- ، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، بیروت، داراحیا الکتب العربیه، 1962م، ج 15-
- ابن سعد، الطبقات الکبری، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران، فرهنگ و اندیشه، 1374، ج 2-
- ابن کثیر، البداية و النهاية، بیروت، دارالکتب العلمیه، 1407، ج 3-
- ابن منظور، لسان العرب، بیروت، دارصادر، 1414، چ سوم، ج 4-
- ابن هشام، السیره النبویه، ترجمه سیدهاشم رسولی، تهران، کتابچی، 1375، چ پنجم، ج 1-
- اصفهانى، راغب، المفردات فى غریب القرآن، بیروت، دارالعلم، 1412، ج 1-
- ، المفردات فى غریب القرآن، بیروت، دارالمعرفه، 1412-
- بهمنیار، رضا، فرهنگ ابجدی عربی فارسی، تهران، اسلامی، 1410-
- توحید مفضل (املاء امام صادق علیه السلام بر فضل بن عمر جعفی کوفی)، ترجمه نجف علی میرزایی، قم، هجرت، 1377، چ پنجم.
- ثقفی کوفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ترجمه عزیزالله عطاردی، تهران، عطارد، 1373-
- رساله حقوق امام سجّاد علیه السلام، قم، دارالفکر، 1385، چ دوم.
- شیخ مفید، المقنعه، قم، اسلامی، 1410-
- ، اوائل المقالات، تحقیق ابراهیم انصاری، بیروت، دارالمفید، 1414، چ دوم.
- صحیفه سجّادیه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، سروش، 1375، چ دوم.
- صدوق، محمدبن علی، الامالی، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1400.
- ، التوحید، تصحیح هاشم حسینی طهرانی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.
- ، علل الشرائع، ترجمه سید محمدجواد ذهنی طهرانی، قم، مؤمنین، 1380، ج 1-
- ، من لایحضره الفقیه، ترجمه علی اکبر غفاری، تهران، صدوق، 1367، ج 4-
- طباطبائی، سید محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، جامعه مدرسین، 1361، ج 4-
- طبرسی، احمدبن علی، الاحتجاج، تحقیق سید محمدباقر الخراسان، بی جا، دارالنعمان، بی تا، ج 1 و 2-
- طبری، محمدبن جریر، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، اساطیر، 1375، چ پنجم، ج 4-
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق سیداحمد حسینی، تهران، مرتضوی، 1416، چ سوم، ج 3-
- طوسی، محمدبن حسن، اختیار معرفه الرجال (رجال کشی)، تصحیح میرداماد، قم، بعثت، 1404، ج 2-
- عاملی، شیخ حرّ، وسائل الشیعه، تحقیق مؤسسه آل البیت، قم، مهر، 1414، چ دوم، ج 4-
- فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، قم، منشورات الهجره، 1410-
- قرشی، سید علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1412، چ ششم، ج 5-
- کلینی، محمدبن یعقوب، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامی، 1365، چ چهارم، ج 2-
- ، الکافی، تحقیق علی اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، 1388ق، ج 1-
- ، اصول کافی، ترجمه سیدجواد مصطفوی، تهران، کتاب فروشی علمیه، بی تا، ج 1-
- مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، مؤسسه الوفاء، 1403-

محمّدی ری شهری، محمّد، میزان الحکمة، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، 1363، ج 6-  
نجاشی، احمدبن علی، رجال النجاشی، تحقیق سید موسی شبیری زنجانی، قم، جامعه  
مدرسین، 1416، چ پنجم.

نهج البلاغه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، فرهنگ اسلامی، 1378، چ سوم.  
واقدی، محمّدبن عمر، المغازی، ترجمه محمود مهدی دامغانی، تهران، نشر دانشگاهی،  
1369-

یعقوبی، احمدبن ابی یعقوب، تاریخ یعقوبی، تهران، علمی و فرهنگی، 1380، چ نهم، ج 1-